

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אידען קאדדע

۲۹ تیشری ۵۷۸۱

مهت مفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

בראשית

ג פתארי רושנה

قبل از صحبت در این باره ، جا دارد ذکر نماییم به طور کلی تمام دنیا و به طور جزئی هر خانه و خانواده‌ای از این رفتار بد در امان نیستند. بین کشورها صلح و آشتی نیست و آن کشورهایی که به ظاهر در صلح هستند ، به سبب منافع و دلایل سیاسی است و اگر اتفاقی بیافتد که دیگر از یکدیگر بهره‌ای نبرند ، دشمن یکدیگر می‌شوند. در خود کشور نیز تمام مسئولین و سیاستمداران با هم در حالت مشاجره و دعوا هستند و هر یک به دنبال منافع و خوبی خودش است. متأسفانه در هر خانه و خانواده‌ای نیز این مشاجرات وجود دارد و حتی خانواده‌هایی که مذهبی هستند و توراہ و میسواهای آن را انجام می‌دهند ، از این بلا به دور نیستند و جدایی و طلاق روز به روز بیشتر می‌شود...

می‌توان گفت علت این همه دعوا و تفرقه این است که هر شخصی به فکر خوبی خودش است و سعی دارد تا حد امکان از اطراف خود سود ببرد و تقریباً هیچکس به این فکر نیست که چگونه به دیگری کمک نماید بدون این که چشمداشتی داشته باشد و این خودخواهی همواره ما را احاطه کرده است.

این درست برعکس هدفی است که خد-اوند به سبب آن دنیا را آفرید ، زیرا قبل از آفرینش نیز خد-اوند پادشاه دنیا بود. تمام هدف خد-اوند از آفرینش این دنیا این بود که می‌خواست به بندگان خود خوبی نماید و به همین دلیل خد-اوند ، آدم را به مانند صورت ا-لهی آفرید تا آدم نیز بخواهد به مانند خد-اوند ، به دیگران خوبی نیکی نماید.

کتاب برشیت را آغاز می‌نماییم و در اولین پاراشای این کتاب می‌خوانیم خد-اوند چگونه این دنیا را آفرید و در هر روز چه موردی آفریده شد. در پایان هر روز توراہ می‌نویسد: "و خد-اوند دید که خوب است" ، فقط در مورد آفرینش روز دوشنبه ، نوشته نشده است: "و خد-اوند دید که خوب است".

دانشمندان توراہ در توضیح این مورد می‌نویسند: در روز دوشنبه خد-اوند بین آب بالا و آب پایین فاصله انداخت و به سبب این تفرقه ، نوشته نشده: "خوب است" ، زیرا تفرقه و جدایی مورد بدی است و به همین جهت نمی‌توان درباره آن نوشت: "خوب است".

در کتاب قول ساسون آمده است: "تفرقه مورد خوبی نیست و خد-اوند از این رفتار متنفر است. حتی در مورد جدایی بین آب بالا و آب پایین که برای موجودیت دنیا انجام شد ، خد-اوند ننوشته است که این تفرقه خوب است. حال اگر جدایی و تفرقه‌ای که برای ساخت دنیا لازم بود ، درباره آن نوشته نشده که خوب است ، پس صد البته جدایی و تفرقه‌ای که باعث ویرانی دنیا می‌شود مورد خوبی نیست. علاوه بر این ، آبها در زمان جدایی گریه می‌کردند و با گریه از یکدیگر جدا شدند. حال اگر این جدایی خوب نیست ، صد البته جدایی که از روی نفرت انجام می‌گیرد و هر دو طرف خوشحال هستند که از یکدیگر جدا شده‌اند ، چنین تفرقه‌ای مورد خوبی نیست و در نظر خد-اوند ناپسند است. از این موارد می‌توان فهمید در نزد خد-اوند ، آشتی و صلح مورد بسیار مهم و واجبی است و تا چه حد خد-اوند از تفرقه و چنین رفتاری متنفر است.

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

طبق این سخنان می‌توان نتیجه گرفت هر آدمی با یک نقص به دنیا آمده که باید این نقص را اصلاح نماید و این نقص به وسیله اطرافیان وی اصلاح می‌شود. پس آدم به این دنیا آمده تا نقوص دیگری را اصلاح نماید. حال این آدمیت از همان سلول خانواده شروع می‌شود تا خانواده بزرگتر، اطرافیان، همسایه‌ها و تا کل دنیا، یعنی درست برعکس خودخواهی و به فکر خویش بودن. باید تلاش نمود تا این پند را آموخت و درک کرد که همواره باید در این فکر بود که چگونه می‌توان به افراد خانه و خانواده کمک کرد و نقوص دیگری را اصلاح و بدین صورت صلح و صفا را در دنیا زیاد نمود.

ربی خیم از وولوژین روحش شاد در این باره می‌نویسد: "چرا خد-اوند، آدم را به مانند درخت نیافرید که آدم نیز به مانند یک درخت چندین و چند میوه بدهد؟ بلکه آدم را به این صورت آفرید که برای نسل آتی باید تشکیل خانواده بدهد؟" وی در پاسخ می‌نویسد: "زیرا خد-اوند می‌خواست تا آدم نیز به مانند خد-اوند همیشه به دیگران خوبی نماید، پس آدم را به گونه‌ای آفرید تا برای نسل آتی باید ازدواج کرده و تشکیل خانواده دهد تا بدین صورت همسر و فرزندان او نیازمند او باشند و به این صورت آدم مایحتاج خانواده خود را تأمین می‌کند، در وضعیتی قرار دارد که به مانند خد-اوند، همیشه به دیگران نیکی می‌کند."

لباسهای ابدی

درخت زندگی نوشت تا بگوید علاقه آدم برای زنده ماندن باعث می‌شد تا دوباره فرمان خد-اوند را زیر پا گذارد و از درخت میوه زندگی نیز بخورد. ولی در کل، چون حضرت آدم لباس مناسب باغ عدن را از دست داده بود، دیگر نمی‌توانست آنجا بماند و به همین سبب اخراج گشت.

در ادامه سخنان خافص خیم آمده است: "ولی پس از این گناه، میسواهی خود را از دست دادند و از این لباس روحانی عریان شدند و دیگر نمی‌توانستند در باغ عدن بمانند. حال با تأمل در این مورد می‌فهمیم لباسهای ابدی آدم فقط با انجام میسواها در این دنیا تهیه می‌شوند، لباسهایی که با آنها آدم در مقابل خد-اوند، پادشاه عالم می‌ایستد. پس چقدر باید مواظب بود میسواها را به طور کامل انجام دهیم، چه از لحاظ جزئیات میسواها که قسمتی از میسوا را از دست ندهیم و نیز از لحاظ فکر و نیت نیز باید مواظب بود که میسواها را با نیت کامل انجام داد و افکاری به مانند تکبر، بی‌حوصلگی و غیره نیت ما را برهم نزنند. بی‌توجهی به جزئیات میسوا لباس را ناقص می‌کنند و تفکر نابجا این لباس روحانی را لک می‌کند، پس باید مواظب بود با انجام میسوا، لباسی کامل و بدون لک برای خود تهیه کنیم."

در این پاراشا می‌خوانیم حضرت آدم و خوا از میوه ممنوعه می‌خورند و متوجه می‌شوند عریان هستند، پس از برگ درخت انجیر برای خود پوششی تهیه کردند.

هخافص خیم روحش شاد در کتاب "شم عولام" می‌نویسد: "پس از فوت آدم از این دنیا، آدم به عالم باقی می‌رسد و از میسواها و اعمال نیکی که در این دنیا انجام داده، یک لباس روحانی تهیه می‌شود و این لباس پوشش نشامای آدم می‌باشد و به این طریق نشامای آدم می‌تواند وجود داشته و در عالم باقی بایستد."

هخافص خیم در ادامه می‌نویسد: "به همین سبب تورا می‌نویسد پس از خوردن میوه ممنوعه، آنها فهمیدند عریان هستند، زیرا قبل از خوردن این میوه، آنها در باغ عدن بودند و در وضعیتی به سر می‌بردند که میسواهای خد-اوند را انجام می‌دادند و به همین جهت لباس روحانی بر بدن آنها بود و به این صورت می‌توانستند در آنجا باشند و زندگی نمایند، زیرا با وجودی که هیچ لباس مادی بر تن آنها نبود، ولی با این حال خجالت نمی‌کشیدند، چون این لباس روحانی آنها را در بر گرفته بود."

(می‌توان گفت چون حضرت آدم و خوا لباس روحانی خود را از دست دادند پس از باغ عدن طرد شدند. درست است که در ادامه، تورا می‌نویسد دلیل اخراج آنها از باغ عدن این بود که از میوه درخت زندگی نخوردند و تا ابد زنده نباشند، تورا این مورد را

خوشبالم افرادی که قوانین خد-اوند را نگه می‌دارند

مشکل این است که در مقابل مزد ابدی عالم باقی ، مزدی که در این دنیا دریافت می‌شود هیچ هم به حساب نمی‌آید و در نتیجه تمام زحمات و عمر آدم در این دنیا بیهوده هدر می‌رود. حال چگونه می‌توان عمر و زندگی خود را نجات داده که بیهوده هدر نروند؟

داوید هملخ در کتاب تهیلیم می‌فرماید: "خوشبالم افرادی که قوانین خد-اوند را نگه داشتند: با تمام قلب خد-اوند را طلب کردند ، عمل بد انجام ندادند و در راه خد-اوند قدم برداشتند ، قلبم راه من را تنظیم می‌کند تا قوانین تو را نگه دارم." در اینجا داوید هملخ سه شرط می‌گذارد که اگر آدم آنها را انجام دهد ، با این که تمام روز را کار می‌کند ، باز هم می‌تواند قوانین تورا را نگه دارد و خوشبختی را از آن خود نماید.

شرط اول: طلب خد-اوند با تمام قلب:

به این منظور که نه تنها میصواهایی که سر راه آدم قرار دارند را باید انجام داد ، بلکه آدم خودش نیز باید به دنبال میصواها بدود و سعی نماید میصواهایی که سر راه او نیز قرار ندارند را انجام دهد. یا اگر در زمان کار ، میصوایی به سراغ آدم آمد ، آدم باید این میصوا را انجام دهد و نگوید: "خوب پس از اینکه کارم تمام شد این میصوا را انجام می‌دهم."

شرط دوم: آدم باید به اندازه صدقه بدهد:

افرادی هستند که پولشان از جانشان عزیزتر است و به فقیران کمک نمی‌کنند. از طرف دیگر افرادی هستند برای پول خود ارزش قائل نیستند و در کنار صداقا ، برای موارد بیهوده و گناه نیز پول خود را خرج می‌کنند. در اینجا آدم باید راه متوسط را برای خود انتخاب نماید. نه آنقدر پول را عزیز بدارد که صدقه ندهد و نه آنقدر دست و دل باز باشد که برای اعمال بیهوده و گناه پول خرج کند. از همه مهمتر باید مواظب بود پول دزدی یا پول ناحق به دست آدم نرسد ، زیرا حتی اگر آدم با این پول نیز صداقا بدهد ، علاوه بر گناه دزدی ، این گناه را به دوش دارد که با پول دزدی صداقا داده و خد-اوند را عصبانی کرده است. به

شاید همه به دنبال جمع آوری میصوا نباشند ، ولی مطمئناً هیچکس به دنبال این نیست که بدود و گناه جمع نماید. اکثر مردم به دنبال تهیه پول و رزق و روزی هستند و به همین جهت زمانی برای جمع‌آوری میصوا ندارند. اگر خیابان پر از میصوا بود ، حتماً سر راه چند میصوا نیز جمع می‌کردند. ولی ما در دنیایی مملو از دروغ و هوس زندگی می‌کنیم و خیابانها پر از دشمنی ، وسوسه و دروغ هستند ، پس خواسته یا ناخواسته ، چند گناه به آدم می‌چسبند.

هر روز در متن تفیلا می‌گوییم: "متبارک است خد-ای خالق ما که ما را برای احترام خود آفرید و ما از آنهایی که اشتباه می‌کنند جدا کرد... تا بیهوده زحمت نکشیده و تولید نکنیم."

ولی در طول روز می‌بینیم زحمت ما بیهوده بوده و تعدادی از اعمال ما نیز بیهوده بودند ، اشتباه نموده و خواسته یا ناخواسته خطا و گناه می‌نماییم. شاید بگوییم باز هم زحمت ما بیهوده نیست ، زیرا مجازات گناهان برای چند مدت است ، ولی مزد میصواها ابدی است. پس آدم می‌تواند بگوید حتی اگر تعداد گناهان بیش از تعداد میصواهای من باشند ، بالاخره پس از مدتی مجازات گناهان تمام شده و آدم به مزد میصواهای خود می‌رسد.

این مورد اشتباه است ، زیرا وقتی تمام فکر و اندیشه انسان مادیات این دنیا است ، ناخودآگاه مرتکب گناهی می‌شود که به سبب سنگینی آنها ، آدم دشمن خد-اوند خوانده شده و به همین سبب خد-اوند مزد میصواهای آدم را در این دنیا به آدم داده تا در دنیای آتی هیچ مزدی برای این آدم باقی نماند و در این صورت ، در دنیای باقی آدم فقط با گناهان خود می‌ماند و تمام زحمات او بیهوده خواهند بود.

شاید آدم بگوید: "خوب باشد ، در این دنیا مزد میصواهای خود را گرفتم و لذت بردم ، مگر چه می‌شود در دنیای باقی هیچ مزدی نداشته باشم!"

می‌دهد و می‌گوید این لذت شب‌هاست و یا قبل از بیرون رفتن از خانه، موه‌های خود را شانه می‌کند که مرتب باشد و تمام اینها خوار کردن احترام شب‌هاست هستند که این هم به سبب عدم آموزش توراه است. وقتی آدم هلاخاهای شب‌هاست و دیگر موارد توراه را می‌آموزد، قوانین توراه را می‌داند و هلاخاهای توراه را زیر پا نمی‌گذارد.

گمارا در مسخت قیدوشین می‌فرماید:

خد-اوند فرمود: "من غریزه بد را آفریدم و درمان آن توراه می‌باشد."

اگر خد-اوند می‌فرماید درمان غریزه بد، توراه است، پس اشتغال به توراه تنها درمان برای غریزه بد است و آدم نباید خود را فریب دهد که فلان مورد و یا موارد دیگر می‌تواند درمان غریزه بد باشد.

با انجام این سه شرط، می‌توان جزو افرادی بود که داوید هملخ درباره آنها گفته است:

"خوشبحال افرادی که قوانین خد-اوند را نگه می‌دارند."

برگرفته از کتاب لهکید

همین سبب داوید هملخ می‌فرماید عمل بد انجام ندادند، به این منظور که با پول دزدی صداقا ندادند و نیز راه خد-اوند که همان راه متوسط است را انتخاب کردند.

شرط سوم: تعیین ساعتی در هر روز برای آموزش توراه:

وقتی آدم هر روز، به طور مداوم به آموزش توراه مشغول شود، ارزش میسواها و نقص گناه را درمی‌یابد و طرز فکر آدم نسبت به گناه و میسوا عوض می‌شود. علاوه بر این هر کلمه از آموزش توراه یک میسوا حساب می‌شود و به این صورت، به طور روزانه، حساب میسواهای آدم بالا می‌رود و ارزش میسواهای آموزش توراه از دیگر میسواهای توراه بالاتر است. آری، وقتی آدم به طور مداوم و روزانه مشغول آموزش توراه می‌شود، دیگر قلب آدم مملو از تورا گشته و این قلب راه درست زندگی بر طبق میسواهای خد-اوند را به آدم نشان می‌دهد.

گاهی غریزه بد آدم را فریب می‌دهد که یک سری از گناهان میسوا هستند، مثلاً غریزه بد به آدم می‌گوید:

"اینجا باید دروغ گفت و میسوا است که دروغ گفت تا بتوان روزی درآورد." و یا "فلان شخص آنقدر بد است که غیبت گفتن از او میسوا است." یا در روز شب‌هاست آدم در مورد کسب و کار خود حرف می‌زند و یا اشیاء ممنوعه را در روز شب‌هاست تکان

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ * **کفرسابا:** آقای موی کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ * **بیطار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۱۴۲۸۹۳۶

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)